

معیارهای انتخاب محتوای آموزشی از منظر قرآن کریم

مژده علیزاده / کارشناس ارشد فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی دانشگاه شهید باهنر کرمان malizadeh@ens.uk.ac.ir

hralavi@uk.ac.ir

سیدحمیدرضا علوی / استاد دانشگاه شهید باهنر کرمان

پذیرش: ۹۵/۵/۷

دریافت: ۹۴/۱۰/۴

چکیده

محتوای آموزشی یکی از عناصر اصلی برنامه‌های درسی محسوب می‌شود که لازم است بر اساس مجموعه‌ای از معیارهای مناسب و از منابع قابل اطمینانی انتخاب و استخراج گردد. از این رو، استخراج معیارهای انتخاب محتوای آموزشی از قرآن کریم، به عنوان مطمئن‌ترین و پایدارترین منبع الهی در امر انتخاب محتوا، یکی از مهم‌ترین و ضروری‌ترین مسائلی است که لازم است در جهت آن گام‌هایی برداشته شود. از این رو، هدف این پژوهش، «شناسایی معیارهای انتخاب محتوای آموزشی از منظر قرآن کریم» است. به منظور وصول به هدف فوق، از روش توصیفی - تحلیلی و از منابع اسنادی استفاده گردیده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که در امر انتخاب محتوای آموزشی می‌توان معیارهای بی‌شماری را از قرآن کریم استخراج نمود. در این پژوهش به هشت معیار پرداخته شده است. این معیارها عبارتند از: هدایت‌کنندگی، تدبیرانگیزی، خلاقیت‌پروری، انگیزه‌بخشی، توجه به ابعاد مختلف وجود انسان، فعال‌سازی و مشارکت فعال مخاطب در متن، کاربرد در زندگی و خودآموزی.

کلیدواژه‌ها: قرآن، محتوا، آموزش، معیار، برنامه درسی، کتب درسی، متعلم.

مقدمه

در این مقاله محتوای آموزشی از متن قرآن کریم، آیا واقعاً محتوای گنج‌انیده شده در کتب آموزشی مطابق با مبانی و اصول آموزشی و تربیتی قرآن کریم تدوین می‌گردند؟ در واقع، با نگاهی به برخی از عناصر اصلی نظام آموزشی اعم از اهداف، محتوا، روش‌های آموزشی و ارزشیابی، می‌توان گفت: درست است که بسیاری از اهداف و محتوای آموزشی کشور مطابق با قرآن کریم نوشته می‌شوند، اما باز هم لحظه‌ای درنگ و تفکر در سؤال فوق ذهن هر انسان اندیشمند و متعهدی را دچار نگرانی فزاینده‌ای می‌سازد و درگیر پاسخ دادن به سؤال‌هایی مبهم می‌کند؛ از جمله اینکه محتوای کتب آموزشی چگونه تعیین می‌شوند و در چه جهتی حرکت می‌کنند؟ مبدأ آنها از کجا نشئت می‌گیرد؟ و در راستای رسیدن به چه هستند؟ و در نهایت، می‌خواهند متعلم را به کجا برسانند؟ همچنین با توجه به فرهنگ و ارزش‌های اسلامی، آیا تاکنون توانسته‌اند حیاتی توأم با معنویتی راستین برای متعلمان ایجاد نمایند؟ بنابراین، می‌توان مشاهده کرد که انتخاب محتوا مسئله‌ای ساده نیست که بتوان به سادگی از کنار آن گذشت و یا در آن سهل‌انگاری کرد؛ چراکه این محتواست که در روح و ذهن و افکار متعلمان جای می‌گیرد و آنها را درگیر خود می‌سازد و در ساختن نگرش‌ها و رفتارهای آنها تأثیر خود را به شدت هرچه تمام‌تر می‌گذارد. از این رو، با توجه به واجد بودن روحی پاک و عاری از هرگونه آلایش و ذهن و فکری منعطف و باز در متعلمان و رسوخ محتوا به ذهن آنها و همچنین با توجه به اقتضانات زمانی قرن بیست و یکم و تشدید ارتباطات جهانی که خواه ناخواه سبب تأثیرپذیری از ارزش‌های نظام آموزشی و تربیتی بیگانه و درهم‌آمیزی آنها با نظام تربیتی خود می‌گردد، ضرورت کاوش در منابع

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌ها و دلمشغولی‌های بشری از کهن‌ترین دوران‌های تاریخی تاکنون، مقوله تعلیم و تربیت بوده است. از آنجاکه تعلیم و تربیت حتی در اشکال سنتی خود مستلزم محتوا و تجارب خاصی می‌باشد (فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۴، ص ۱۳)، محتوای آموزشی یکی از عناصر مهم در برنامه‌های درسی است. محتوای آموزشی عبارت است از مجموعه حقایق، مفاهیم، اصول، تعمیم‌ها و ارزش‌ها که در ارتباط با یکدیگر و در جهت هدف‌های یادگیری برای یادگیرنده پیش‌بینی می‌شود (ملکی، ۱۳۸۴، ص ۶۸). در این زمینه، فرایند انتخاب محتوا همواره از حساسیت و اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است؛ این حساسیت و اهمیت نیز بیشتر به علت ماهیت و تصمیماتی است که درباره محتوا اتخاذ می‌گردد (فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۴، ص ۱۱۷). در انتخاب محتوا معیارهایی حاکم است که رعایت آنها در امر برنامه‌ریزی موجب ثمربخشی برنامه‌های آموزشی می‌گردد (موسی‌پور، ۱۳۸۵، ص ۲۴). بخصوص که در جوامع پیچیده و رو به پیشرفت کنونی در انتخاب این معیارها باید دقت افزون‌تری گردد (فیاض، ۱۳۸۷، ص ۲۹). از این جهت، در چنین امر خطیری نیاز به منبعی پایدار و موثق است. نظر به اینکه قرآن کریم عالی‌ترین و بزرگ‌ترین عامل هدایت بشر در همه شئون و در تکمیل همه نیروها و استعدادهای بشری است که جز از جانب حکمت بالغه الهی نمی‌تواند صادر شود (رادمنش، ۱۳۸۴، ص ۲۴)، از مهم‌ترین مسائل جامعه مسلمانان کشف اصول و فنون آموزشی از قرآن کریم می‌باشد (حسینی‌زاده، ۱۳۸۸، ص ۱۳). از جمله دغدغه‌های مهم پژوهش حاضر نیز در همین مسئله است که با توجه به اهمیت بسیار برگرفتن عناصر آموزشی و به طور خاص

قرآن کریم آن اصول عامی را که برای رشد فیزیکی و معنوی انسان لازم است، دربر دارد و می‌توان آنها را استنتاج کرد (گلشنی، بی‌تا، ص ۱۰۳). برخی نیز گفته‌اند: ریشه‌های علوم اولین و آخرینشان از قرآن نشئت می‌گیرد که اصول همه آنها نیز از قرآن به دست می‌آید؛ زیرا همگی آنها از دریایی از دریاها معرفت الهی نشئت می‌گیرند (همان، ص ۹۴).

با نگاهی به قرآن کریم و تفحص در آیات کریمه آن، می‌توان برخی از این معیارها را موارد ذیل دانست:

۱. محتوا باید هدایت‌کننده به سمت خداوند باشد: یکی از معیارهای بسیار مهمی که در امر انتخاب محتوای آموزشی باید مورد توجه قرار گیرد هدایت‌کنندگی محتواست. در واقع، اولین قدم در انتخاب متون آموزشی باید حرکت به سمت خدا باشد. چنان‌که قرآن کریم خود را یک کتاب هدایت‌کننده معرفی می‌نماید: ﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمٌ...﴾ (اسراء: ۱۷). قرآن کریم «مایه سعادت بشر است و به اقوم‌ترین و سودمندترین حالات و اولادترین اولویت‌ها هدایت می‌کند» (کمالی، ۱۳۷۲، ص ۲۵). «کلمه "هدایت" به معنای این است که راه هر چیز را به آن طوری نشان دهیم که او را به مطلوبش و هدفش برساند، و یا لاقلاً راهی که به سوی مطلوب او منتهی می‌شود به او نشان دهیم و برگشت هر دو معنا به یک حقیقت برمی‌گردد و آن عبارت است از نوعی رساندن به مطلوب، حال یا رساندن به خود مطلوب، و یا رساندن به طریق منتهی به آن» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۲۳۱).

قرآن تنها یک نوشته در چند کاغذ و یا سخنی نادرست و بیهوده نیست: ﴿... مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَى...﴾ (یوسف: ۱۱۱)، بلکه کلمه کلمه و آیه آیه آن در جهت حق و به قصد هدایت‌کنندگی مخاطبان به سمت یگانه معبود نگاشته شده است. به تبع قرآن، محتوا باید بتواند مخاطب

اصیل و عظیمی همچون قرآن کریم و پایه‌گذاری محتوای آموزشی خود بر مبنای آن بیشتر می‌گردد. از سوی دیگر، توجه به معیارهای انتخاب محتوای آموزشی از قرآن کریم و پیاده کردن آنها در کتب درسی به دلیل قداست و معنویت خاصی که در قرآن نهفته است، به طور حتم باعث افزایش رشد علمی و معنوی و پرورش هرچه بیشتر متعلمان و سعادت روزافزون جامعه بشری می‌گردد که خود اهمیت پژوهش در این مبحث را ملزم می‌سازد.

در زمینه پیشینه پژوهش باید گفت: تاکنون صاحب‌نظران مختلف به بیان معیارهای انتخاب محتوا پرداخته‌اند، اما پژوهشی به طور خاص و به این شیوه که برگرفته از قرآن کریم باشد انجام نگرفته است؛ از این رو، می‌توان آن را از نوآوری‌های پژوهش حاضر برشمرد. در این زمینه، پژوهش حاضر درصدد پاسخ دادن به یک سؤال اصلی است: معیارهای انتخاب محتوای آموزشی از منظر قرآن کریم چه می‌باشند؟

یافته‌ها

معیارهای انتخاب محتوای آموزشی از منظر قرآن

کریم

قرآن کریم در کنار معجزه بودن، خود یک محتوای آسمانی گران‌قدری محسوب می‌گردد که تمامی معیارهای انتخاب یک محتوای مناسب و مطلوب را در خود جای داده است. قرآن کریم کتاب تعلیم و تربیت است، چنان‌که امیرمؤمنان علی علیه السلام همواره آن را به فرزندان خویش تعلیم می‌نمودند و از جمله به امام حسن علیه السلام فرمودند: «پس در آغاز تربیت تصمیم گرفتم تا کتاب خدای توانا و بزر را همراه تفسیر آیات به تو بیاموزم و شریعت اسلام و احکام آن را از حلال و حرام به تو تعلیم دهم و به چیز دیگری نپردازم» (نهج‌البلاغه، ۱۳۹۱، ن ۳۱). در حقیقت،

آموزشی باید توجه داشت که انسان بیهوده قدم به عرصه این جهان نگذاشته است؛ او از سوی خداوند آمده و روح الهی در وی دمیده شده است و برای خداوند است و قرار هم هست که به سوی او بازگردد: ﴿إِنَّا لِلَّهِ وَأَنَا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ (بقره: ۱۵۶). از این رو، مبدأ و انتهای محتوای آموزشی باید خدا باشد: ﴿هُوَ الْأَوَّلُ وَهُوَ الْآخِرُ﴾ (حدید: ۳)، باید آغشته به رنگ الهی شده باشد: ﴿صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنْ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ﴾ (بقره: ۱۳۷) تا بتواند آن رنگ را در فراگیرانش هم به وجود آورد. باید روح این انسان را با علوم الهی تغذیه نمود و به وی آموخت که همه علوم مقهور قدرت و علم الهی هستند. از این رو، این علم الهی است که باید در روح و ذهن و قلب متعلمان جای گیرد و آنها را به سمت عالمانی ربانی شدن سوق دهد. با در نظر گرفتن این مهم در تمامی مراحل انتخاب محتوا، تمامی علوم از جمله زیست‌شناسی، فیزیک، شیمی و... وسیله‌ای می‌گردند در جهت رسیدن به هدف (خدا) که اگر این مهم در امر انتخاب محتوا رعایت نگردد قطعاً محتوا در ایجاد روحیه مادی‌گرایی و سکولاریستی در مخاطب قدم برداشته است. در سکولاریسم مادیون هنگامی که به آن لحظه‌ای می‌رسند که باید آن علم را از خدا بدانند، آن را انکار می‌کنند. «آنها تنها بخشی از حقیقت را می‌پذیرند، چنانچه علم تجربی جدید در سیر افقی خود، برای عالم و طبیعت نه مبدأ می‌بیند و نه غایت؛ و دانش خود را عطای خداوندی و محبتی از جانب او نمی‌داند» (موسوی‌نسب، رزاقی و خطیبی، ۱۳۹۱، ص ۲۰). از این رو، هنگامی که روحیه سکولاریستی در متعلم ایجاد شود، آن علم را دیگر الهی نمی‌بیند، بلکه از جانب خود و تحت تسلط خود می‌بیند. در نهایت، نتیجه آن می‌شود که به جای اینکه از آن علم در جهت منافع انسان‌ها استفاده کند، آن را در

را در مسیر حق قرار دهد و از باطل، سردرگمی و گمراهی نجات بخشد: ﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾ (بقره: ۲) و به سمت نور و روشنایی هدایت کند: ﴿... قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ﴾ (مائده: ۱۵). از این رو، زمانی که گفته می‌شود محتوا باید هدایت‌کننده باشد، فضایی برای مؤلف ایجاد می‌گردد که در آن فضا حدود عمل مشخص می‌شود. این فضا به تبع قرآن کریم باید همان فضای معنوی باشد. زمانی که محتوا در جهت آن فضای معنوی حرکت کرد راه برای مسلط شدن فضای غیرمعنوی مسدود می‌شود و حرکت در مسیر حق مؤثرتر می‌گردد. از این طریق، مخاطب هر علمی را که فرامی‌گیرد آن را نشئت‌گرفته از نیرویی بسیار فراتر از خود می‌داند و به عبارتی، آن را علم الهی می‌بیند. حرکت در این مسیر، وی را از نگاهی سکولاریستی رها می‌کند و به دنیای پاک معنویات سوق می‌دهد. البته باید در نظر داشت تمامی مخاطبان در مسیر حق قرار نمی‌گیرند؛ چراکه بسیاری از افراد با خواندن آیات قرآن هدایت نمی‌شوند و همچنان گمراه باقی می‌مانند: ﴿... وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِن بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا...﴾ (بقره: ۲۱۳)؛ (افراد باایمان در آن اختلاف نکردند) فقط گروهی از کسانی که کتاب را دریافت داشته بودند و نشانه‌های روشن به آنها رسیده بود، به خاطر انحراف از حق و ستمگری در آن اختلاف کردند. اما در هر صورت، یکی از رسالت‌های اصلی محتوای آموزشی هدایت‌کنندگی آن به سمت پروردگار متعال می‌باشد که نباید از این اصل مهم غفلت ورزید. رویکرد توحیدی باید محوریت اصلی تمامی محتواهای آموزشی باشد.

می‌توان گفت: محتوایی که مخاطب را به سمت یگانه معبود و صراط مستقیم سوق دهد، محتوایی هدایت‌کننده محسوب می‌گردد. در حقیقت، در ارائه و تدوین محتوای

انسان می‌افزاید و ایمانش تقویت می‌گردد و مراتب یقینی او بالا می‌رود (جعفری، بی‌تا، ج ۴، ص ۳۲۵).

بنابراین، یکی از معیارهای بسیار مهم که باید در امر انتخاب محتوای آموزشی مدنظر قرار گیرد، تدبربرانگیزی محتواست. مواد و محتوای آموزشی باید ذهن متعلم را فعال کند و او را به درک و فهمی عمیق برساند. این مهم باید از همان ابتدای کودکی مدنظر قرار گیرد. به اعتقاد رابرت کارپلاس، فیزیکدان دانشگاه کالیفرنیا، برکلی، اهمیت فکر کردن آن قدر زیاد است که باید آن را از زمانی که کودکان کم‌سالند آغاز کرد. در واقع، مهم‌ترین مسئله در آموزش و یادگیری عبور از موانع یادگیری و ورود به تفکر است (فیشر، ۱۳۸۶ الف، ص ۱۰). این فرض که فکر کردن راه را برای آموزش باز می‌کند به‌طورکلی پذیرفته شده است و هیچ کس اهمیت فکر کردن را در آموزش مورد تردید قرار نمی‌دهد؛ پس لازم است که توجه بیشتری به آن شود و پرورش تفکر صحیح اساس فعالیت‌های تربیتی قرار گیرد (هولفیش، ۱۳۸۰، ص ۱۱). هابیز نیز منتقدی است که اصرار دارد عقل باید رشد کند. این هدفی است که او برای آموزش تعیین می‌کند و «بهترین کتب» را وسیله‌ای برای رسیدن به این هدف می‌داند (همان، ص ۱۵). محتوایی که نیروی ذهن دانش‌آموزان را به کار گیرد و موجب توسعه اندیشه‌ها و افکار آنها در تمامی جهات گردد، در واقع، راه را به سوی آینده‌ای روشن برای دانش‌آموزان گشوده است.

از جمله مواردی که قرآن قصد دارد انسان را به شناخت و تفکر بیشتر در آن برانگیزد، شناخت و معرفت به خداست. در واقع، اولین مرتبه دین، شناخت خداست و کسی که خدا را نشناسد، هنوز قدم در ساحت دین نگذاشته است. پس اولین قدم، حرکت به سمت خداست (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۱۲۶). اما آنجا که تفکر در

جهت نابودی بشر به کار می‌گیرد.

بنابراین، باید همواره این نکته را مدنظر داشت که محتوای آموزشی علاوه بر ساختن ذهن متعلمان، در روح، جان و جسم آنها هم نفوذ می‌کند. همچنین در ساختن بخشی از باورها، اعتقادات و نگرش‌های آنها هم نقشی اساسی ایفا می‌کند. محتوایی که متعلم را به سمت پروردگار و صراط مستقیم سوق ندهد منجر به خطرناکی بزرگ می‌شود که تأثیراتش را هم در زمان حال و هم آینده متعلمان می‌توان مشاهده نمود.

۲. محتوا باید تدبربرانگیز باشد: اسلام دین تعقل است و اساس و زیربنای احکام خود را تحفظ بر عقل قرار داده است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۹۰). تعلیم و تربیت اسلامی نیز عقل را بسیار ارج می‌نهد و آن را بارزترین گوهر وجودی انسان می‌داند. می‌توان به صراحت بیان نمود که محتوای آموزشی باید تدبربرانگیز باشد؛ چراکه به نظر می‌رسد قرآن کریم هیچ اصلی را به این وضوح و روشنی در آیه خود به نمایش نگذاشته است. چنان‌که پروردگار صراحتاً به تدبر در قرآن امر فرموده است: ﴿أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا﴾ (نساء: ۸۴). آیا تدبر نمی‌کنند در قرآن یا بر دل‌هایشان قفل نهاده شده است؟ ﴿أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا﴾ (محمد: ۲۴). تدبر در قرآن یعنی: اندیشیدن در مقاصدی که آیات قرآن برای تفهیم آنها نازل شده است. به عبارت دیگر، «تدبر» یعنی: گذر از ظاهر لفظ و رسیدن به حقایقی که قرآن بدان‌ها اشاره دارد. توجه به تدبر در قرآن از جمله مواردی است که قرآن مجید به آن توجه خاص داشته و در آیاتی مطرح نموده است (فرقانی، بی‌تا، ص ۷۷). شنیدن و خواندن آیات الهی اگر با تدبر و تفکر همراه باشد، بر ایمان شخص می‌افزاید و با این تدبر در آیات به معارفی می‌رسد که بر شناخت او از جهان و

پرورش فضایل اخلاقی نیز از این طریق است. بنابراین، محتوای درسی موفق، محتوایی است که به زیبایی و ظرافت خاصی و حتی غیرمستقیم در این امر مهم کوشش نماید. تفکر در خود نیز از دیگر مواردی است که مورد توجه قرآن قرار گرفته و لازم است در محتوای آموزشی نیز مورد توجه قرار گیرد. چنانکه قرآن می‌فرماید: ﴿أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ...﴾ (روم: ۸). البته تفکر در خود به معنای تفکر در اسرار نهانی خلقت خویش نیست (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۳، ص ۶۸). همچنین تفکر در خود به معنای تفکر پنهان در دل و یا آهسته در خویش هم نیست، بلکه انفس متعلق به تفکر و مورد و عاء تفکر است که آدمی از قدر خویش به خدا و از استمرار خویش به معاد و به ارتباط‌های خویش و به وحی راه می‌یابد و کتاب را بحق درک می‌کند (صفایی حائری، ۱۳۸۶، ص ۳۲۰). از این رو، محتوای آموزشی نیز لازم است متعلمان را به سمت ایجاد تفکری عمیق در خود و وجودشان سوق دهند. این مهم می‌تواند منجر به پی بردن به توانایی‌ها و استعدادها و به ودیعت نهاده شده در خود و به کارگیری آنها نیز گردد. همچنین قرآن کریم در موارد بسیاری به تشریح آیات آفاقی پرداخته و آن را مقدمه شناخت خدا می‌داند. از این رو، همواره از انسان‌ها می‌خواهد به تفکر در جهان هستی بنشینند، آیات آفاقی و انفسی را مورد توجه قرار داده و با مطالعه هرچه بیشتر در طبیعت و انسان به حقیقت هستی پی ببرند (جمعی از نویسندگان، بی‌تا، ص ۱۸). چنانکه پروردگار در آیه ۱۶۴ سوره مبارکه «بقره» می‌فرماید: در آفرینش آسمان‌ها و زمین و آمد و شد شب و روز و کشتی‌هایی که در دریا به نفع مردم در حرکت هستند و آبی که خداوند از آسمان نازل کرد و با آن زمین را پس از مردنش حیات بخشیده و انواع جنبندگان را در آن گسترده ساخته و در وزش باد و

خود خدا جایز نیست، قرآن کریم بهترین شاهد است در اینکه خدا را می‌توان از راه صفاتش شناخت و در آیات بسیاری تشویق به این امر شده است (همان، ج ۴، ص ۱۴۱). چنانکه قرآن می‌فرماید: این قرآن ابلاغی برای مردم است تا به وسیله آن، انداز شوند و بدانند که او خدای یکتاست و صاحبان اندیشه پند گیرند: ﴿هَذَا بَلَاغٌ لِلنَّاسِ وَلِيُنذِرُوا بِهِ وَيُعَلِّمُوا أَنَّمَا هُوَ إِلَهٌ وَاحِدٌ وَيُنذِرَ أُولُوا الثَّلَٰثَاتِ﴾ (ابراهیم: ۵۲). آن خدا پروردگار شماست؛ جز او چیزی را نپرستید: ﴿ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ﴾ (انعام: ۱۰۲). همچنین نکته مهم در شناخت صفات الهی این است که بدانیم هیچ چیز همانند او نیست و او نیز شبیه به چیزی نیست. در اصل، پایه اصلی شناخت تمام صفات خدا در آیه ﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ...﴾ (شوری: ۱۱) است که بدون شناخت آن، به هیچ‌یک از صفات پروردگار نمی‌توان پی برد؛ زیرا خطرناک‌ترین پرتگاهی که بر سر راه پویندگان طریق «معرفه الله» وجود دارد پرتگاه «تشبیه» است که خدا را در وصفی از اوصاف شبیه مخلوقاتش بدانند که این، سقوط به دره «شُرک» را به همراه دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ص ۳۶۶). اما باید توجه داشت که علم و دانش ما محدود است و هرگز نمی‌توانیم به کنه و حقیقت ذات خداوند که نامحدود است برسیم؛ زیرا آگاهی از کنه چیزی یعنی احاطه بر آن، و چگونه موجودی محدود می‌تواند به ذات نامحدودی احاطه یابد؟ همچنین شناخت کنه صفات الهی که عین ذات اوست، برای ما امکان‌پذیر نمی‌باشد. از این رو، علم ما از صفات الهی نیز علمی اجمالی است و بیشتر بر محور آثارش دور می‌زند (همان، ج ۲۰، ص ۳۷۰). با وجود این، شناخت صفات خدا نقش سازنده و تأثیر بسزایی در تربیت انسان دارد (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۴۰۵). همچنین یکی از راه‌های

کردن قرار دهند و روحیه پرسشگری را از همان ابتدای کودکی در وی تقویت نمایند.

۳. **محتوا باید خلاقیت پرور باشد:** هیچ مکتبی به اندازه اسلام به خلاقیت و تفکر خلاق در انسان توجه نداشته است. در قرآن کریم، هم صلاح حیات وابسته به تفکر صحیح معرفی، و هم مکرراً به تفکر خلاق دعوت شده است (حسینی، ۱۳۸۷، ص ۲۷). در واقع، پروردگار متعال در قرآن کریم به پرورش نیروهای خلاق در انسان توجه بسیاری نموده است. می توان گفت: قرآن کریم کتاب خلاقیت و خلاقیت پروری است؛ چراکه توسط خلاق ترین خلاقان ارائه گردیده است. پس چگونه می توان از این اصل مهم در انتخاب محتوای درسی غفلت ورزید، بخصوص امروزه که تمامی جوامع به انسان هایی خلاق در عرصه های گوناگون به شدت نیازمندند. بنابراین، می توان با صراحت بیان کرد که کلمه به کلمه، آیه به آیه و صفحه به صفحه قرآن کریم مزین به ذکر زیباترین و خلاقانه ترین آیاتی است که ذهن را وادار به تفکر در ذره ذره جهان آفرینش می نماید تا از این رهگذر انسان نیز منشأ نوآوری گردد و راه سعادت را برای خود و دیگران هموار سازد. این خلاقیت را حتی در آیات تکراری قرآن هم می توان مشاهده نمود. حتی آیات تکراری قرآن هم، با نوآوری همراه هستند. برای مثال از آیه ۶۰ تا ۶۴ سوره مبارکه «نمل»، جمله ﴿أَلِلَّهِ مَعَالِيهِ﴾ تکرار شده است، اما هر بار با یک جمله تازه همراه است: در آیه ۶۰ می خوانیم: ﴿بَلْ هُمْ قَوْمٌ يَعِدُونَ﴾؛ مشرکان انحراف دارند. در آیه ۶۱ می خوانیم: ﴿بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾؛ انحرافشان به خاطر جهل است. در آیه ۶۲ می خوانیم: ﴿قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ﴾؛ و حالا که جاهلند، کمتر متذکر می شوند. در آیه ۶۳ می خوانیم: ﴿تَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ﴾؛ خداوند از شرک آنان منزّه است و در آیه ۶۴ می خوانیم: ﴿قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ﴾؛ اینها بی دلیل به سرع

ابراهیمی که میان زمین و آسمان قرار گرفته اند، نشانه هایی است برای گروهی که فکر می کنند. تبیین هر موضوعی در محتوای کتاب درسی در باب آیات آفاقی و انفسی نیز ضروری می باشد. قرآن کریم در موارد بسیاری مخاطبان را دعوت به تفکر در تاریخ نیز می نماید: ﴿أَفَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسَاكِينِهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُولِي النُّهَى﴾ (طه: ۱۲۸)؛ آیا این کفار قریش را از مشاهده حال طوایف بسیاری از گذشتگان که ما همه را هلاک کردیم و اینان در منازل و عمارات آنها می روند عبرت و پند نبود؟ بی شک، احوال گذشتگان بسیار برای خردمندان عبرت و مایه هدایت است. محتوای آموزشی نیز لازم است متعلمان را بدین جهت سوق دهد.

همچنین قرآن کریم در بسیاری از موارد با پرسیدن سؤال های تفکربرانگیز، قصد درگیر کردن و به کارگیری قوه تفکر و اندیشه مخاطب در باب آن موضوع را دارد؛ به گونه ای که در آیه ۵۰ سوره مبارکه «انعام» بیان می دارد: «... بگو آیا بینا و نابینا مساوی اند؟ پس چرا نمی اندیشید؟ ﴿... قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَ الْبَصِيرُ أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ﴾». سؤال کردن مزیتی را برای تربی فراهم می نماید تا بین دانسته های خود و مطالبی که باید بر حسب نظرات دیگران مورد بررسی قرار دهد و درباره آن بیندیشد، ارتباط برقرار کند. سؤال کردن به تحریک، گسترش و تقویت تفکر خلاق کمک می کند (حسینی، ۱۳۸۷، ص ۳۷). متن آموزشی نیز با پرسیدن سؤال های متفکرانه و عالمانه، می تواند ضمن فراهم نمودن فرصت تفکر برای دانش آموزان، موجب غنای رشد ذهنی آنها نیز بشود و از آنجا که پاسخ های هر دانش آموز با دیگری تفاوت دارد، خود نیز می تواند موجب پرورش استدلال، بحث و گفت و گو در آنها و فرصت هم اندیشی در زمینه های مختلف و خلق ایده های نو شود. در واقع، متون آموزشی باید به گونه ای باشند که دانش آموز را در چالش سؤال

انتخاب کند، تصمیم بگیرد و عمل کند. انسانی که مجبور است (برای مثال، در مکاتب پراگماتیسم و رئالیسم طبیعی)، هیچ اراده‌ای از خود ندارد و قطعاً نمی‌تواند خلاق هم باشد. از این رو، علاوه بر توجه نمودن محتوای آموزشی به این مهم، توجه معلم به این امر و آزاد گذاشتن متعلمان (اعم از آزادی بیان، اندیشه و عمل)، البته در مسیر صحیح و به قصد خلاق بار آوردن آنها هم بسیار مهم است. قرآن کریم که خردورزی را در تمامی امور بسیار مهم می‌داند، به شدت انسان‌ها را از تقلید کورکورانه و تبعیت از گذشتگان نهی می‌نماید. از جمله زمانی که می‌فرماید: ﴿إِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئاً وَلَا يَهْتَدُونَ﴾ (بقره: ۱۷)؛ هنگامی که به آنها گفته شود از آنچه خدا نازل کرده است، پیروی نمایید می‌گویند: نه، ما از آنچه پدران خود را بر آن یافتیم پیروی می‌کنیم. بگو: آیا اگر پدران آنها تعقل نکردند و هدایت نشدند باز از آنها پیروی خواهند کرد؟ در این آیه، قرآن به مخالفت در برابر عقاید متعصبانه، جاهلانه و بدون استدلال محکم پرداخته است و از آنها می‌خواهد کورکورانه از پدرانشان تقلید ننمایند. در حقیقت، «پایبندی بی‌چون و چرا به سنت‌ها و آداب ملی و قومی، سبب تخدیر جامعه و سدّ راه فکر و نوآوری و مانع شناخت حقیقت است» (قراشتی، ۱۳۸۳، ج ۶، ص ۳۲۵). کتب درسی از جمله عناصر مهمی هستند که می‌توانند هم به صورت مستقیم و هم غیرمستقیم متعلمان را در این جهت هدایت نمایند.

از دیگر مواردی که نشان از خلاقیت‌پروری قرآن کریم دارد رشد دادن تفکر انتقادی در انسان می‌باشد. تفکر انتقادی، چگونگی تفکر درباره‌ی یک موضوع را شرح می‌دهد. در تفکر انتقادی فراگیران یاد می‌گیرند چه زمان سؤال کنند، چگونه سؤال کنند و چه سؤالاتی بپرسند. همچنین چگونه استدلال کنند، چه زمان از استدلال

شرک رفته‌اند (قراشتی، ۱۳۸۳، ج ۶، ص ۴۴۶).
 خلاقیت به قدری مهم است که ترزا آمابیل (۱۹۸۳) اصل «انگیزش درونی خلاقیت» را مطرح ساخت. طبق این اصل، افراد زمانی خلاق خواهند بود که احساس کنند عمدتاً به وسیله‌ی علاقه، خشنودی، رضایت‌خاطر و چالش خود تکلیف، با انگیزه شده‌اند (ریو، ۱۳۸۸، ص ۱۶۰)، و باز به قدری مهم است که می‌توان از آن به عنوان «سلاح» نام برد؛ زیرا به وسیله‌ی آن می‌توان از فشارهای روحی ناشی از زندگی روزانه رها شد و امور فوق‌العاده را از میان برد. توین نیز ایجاد فرصت پرورش خلاقیت برای هر جامعه را به منزله‌ی مر و زندگی می‌داند (ر.ک: حسینی، ۱۳۸۷ الف). بدین سبب است که اغلب جوامع مدت‌هاست برای شناسایی کودکان و نوجوانان خلاق و استفاده از شیوه‌های آموزشی خلاق به برنامه‌های جدی روی آورده‌اند (همان). متون آموزشی زمانی می‌توانند موجب رضایت‌خاطر و افزایش علاقه‌مندی دانش‌آموزان گردند که متعلم بعد از خواندن آن، هیجان دوباره و چندباره خواندن آن را پیدا کند و باز به آن رجوع نماید، نه تنها به آن، بلکه به کتب مختلف در باب آن موضوع و همچنین نه برای حفظ کردن، بلکه برای درک کردن، تجزیه تحلیل و ترکیب آن با استنباط‌های ذهنی خود، تا منشأ حرکت خود را به سوی مجهولات و دنیای ناشناخته‌ها فراهم نماید و این مهم تنها از طریق یک محتوای آموزشی برنامه‌ریزی شده توسط افراد دانا، خلاق، مسئول، متعهد، با درایت و با ذکاوت حاصل می‌گردد.

از جمله مواردی که نشان از توجه قرآن به امر خلاقیت‌پروری در انسان را دارد، آزاد آفریده شدن و آزاداندیشی انسان است (منظور آزادی مطلق نیست). ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد و پذیرا گردد یا ناسپاس: ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾ (انسان: ۳). انسان آزاد آفریده شده است تا خود فکر کند،

پروردگار می فرماید: ای اهل کتاب... از طرف خدا نور روشنگری به سوی شما آمد ﴿يَا أَهْلَ الْكِتَابِ... قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ﴾ (مائده: ۱۵) و سپس در آیه بعد می فرماید: خدا به برکت آن کسانی را که از رضای او پیروی کنند به راه‌های سالم سلامت و امنیت هدایت می کند و به فرمانش آنها را از ظلمت‌ها خارج ساخته و به سوی نور می برد و آنها را به راه راست هدایت می کند: ﴿يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ (مائده: ۱۶). در این آیه مبارکه نور بودن قرآن، برکت بودن آن، حرکت به سمت راه‌های امنیت و سلامت در پرتو قرآن کریم و هدایت شدن، از جمله عوامل انگیزشی قرآن کریم به انسان می باشد. همچنین به رستگاری رسیدن در پرتو قرآن کریم ﴿فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَ عَزَّوهُ وَ نَصَرُوهُ وَ اتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ السُّمُّهُونَ﴾ (اعراف: ۱۵۷) از دیگر عوامل انگیزشی قرآن به انسان محسوب می گردد. گرامن (۱۹۶۹) انگیزش را عاملی می داند که انسان را برمی انگیزد، به حرکت وامی دارد و به سوی رفتار معین سوق می دهد. می توان گفت: انگیزش در هر صورت، درونی است، انگیزش درونی عبارت است از احساس شایسته بودن، خودمختار بودن در حین انجام دادن یک فعالیت که می تواند تأثیر بیشتر و عمیق تری در یادگیری ایفا کند (حسینی، ۱۳۸۷ الف، ص ۳۴). در واقع، هر یادگیرنده‌ای در درون خود نیازهای روان شناختی دارد و انگیزش درونی را تجربه می کند. بنابراین، زمانی که هنگام انجام فعالیتی این نیازهای روان شناختی فعال باشند و پرورش یابند، به طور خودانگیزخته احساس خشنودی را در افراد ایجاد می کند (ریو، ۱۳۸۸). در انگیزش درونی، دانش آموزان از چالش‌هایی که در متن با آنها روبه‌رو می شوند لذت می برند، کنجکاو می گردند و به یادگیری علاقه مند می شوند. در عین اینکه به موضوع تسلط پیدا

استفاده کنند و چه روش استدلالی را به کار ببرند (فیشر، ۱۳۸۶ ب، ص ۱۱۸). در قرآن کریم واژه «نقد» یا «انتقاد» به صورت مستقیم وجود ندارد، اما آیاتی هستند که این بار معنایی را می رسانند. برای مثال، زمانی که حضرت ابراهیم ضمن عدم پیروی از اجدادش، در انتقاد از آنها فرمود: به یقین شما و پدرانتان در گمراهی آشکاری هستید: ﴿قَالَ لَقَدْ كُنْتُمْ أَنْتُمْ وَ آبَاؤُكُمْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾ (انبیاء: ۵۴). چنان‌که در آیات ۷۲ و ۷۳ سوره «شعراء» و ۹۵، ۹۶ و ۹۷ صافات، ۱۶ عنکبوت و ۷۴ انعام نیز این مضامین دیده می شوند. امروزه بی شک، یکی از پرمخاطب‌ترین مباحث پژوهشی، بررسی ریشه‌های مختلف تفکر انتقادی است؛ به گونه‌ای که پژوهشگرانی از سراسر جهان و در رشته‌های مختلف هریک به نوعی به تحقیق در این زمینه پرداخته‌اند. در این زمینه، فیشر معتقد است: یکی از برداشت‌های اشتباهی که در باب خلاقیت می تواند به وجود آید این است که خلاقیت هیچ ارتباطی با تفکر انتقادی ندارد. خلاقیت فقط ارائه راه‌های جدید برای رفع مشکلات نیست، بلکه ارائه راه‌حل‌های بهتر است که این مستلزم قضاوت انتقادی است (فیشر، ۱۳۸۶ ب، ص ۷۴). از این رو، توجه به این مهم نیز در محتوای آموزشی ضرورت دارد.

۴. محتوا باید انگیزه‌بخش باشد: کسب دانش فرایندی فعال است. برای فعال بودن، باید حواس مختلف خود را به کار گرفت و همراه با آن به تعقل و تفکر پرداخت. این مهم زمانی حاصل می شود که بتوان نیروهای انگیزشی را در افراد به وجود آورد. بنابراین، می توان گفت: یکی از مهم ترین عوامل مؤثر در یادگیری، انگیزش بخشی به مخاطب است. این نیروی مؤثر را در متن قرآن کریم فراوان و مکرر می توان مشاهده نمود. در واقع، قرآن کریم کتاب انگیزه بخشی است، «از مجموع آیات قرآن شاید بتوان بیش از هزار آیه برای الگوهای انگیزش انسان آورد» (رضایی اصفهانی، بی تا، ص ۱۸۲). برای مثال، زمانی که

به تبع از این اصل، محتوای آموزشی نیز باید در شکوفایی تمام ابعاد و استعداد‌های متعلمان بکوشد و تنها یک بعد را در نظر نگیرد.

۶. محتوا باید در مشارکت فعال مخاطب بکوشد: قرآن کریم در بسیاری از آیات، مخاطب را فعالانه درگیر می‌سازد و به هیچ وجه اجازه نمی‌دهد مخاطب تنها یک خواننده یا شنونده صرف باشد؛ بلکه در موارد مختلف از طریق آموزش فعال، توجه مخاطب به مبحث مورد نظر را افزایش می‌دهد و بر استنباط و درک وی از آن موضوع می‌افزاید. این فعال‌سازی می‌تواند هم در حیطه عقلی باشد و هم در حیطه عملی. فعال‌سازی در حیطه عقلی می‌توان در مواردی همچون: تجزیه و تحلیل آیات توسط مخاطب به همراه آوردن استدلال، ارتباط برقرار نمودن میان آیات توسط مخاطب (مرتبط ساختن آیات الهی با یکدیگر) و نتیجه‌گیری نمودن توسط مخاطب (نتیجه‌گیری از برخی آیه‌های یک سوره و یا برخی آیه‌های سوره مختلف با یکدیگر و یا از کل یک سوره) مشاهده نمود. به دلیل محدودیت در حجم مقاله، به ذکر دو نمونه از مثال‌های فوق اکتفا می‌گردد:

۱-۶) تجزیه و تحلیل آیات توسط مخاطب به همراه آوردن استدلال یکی از راه‌های مشارکت فعال مخاطب در خواندن متن قرآن کریم تجزیه تحلیل آیات توسط وی به همراه آوردن برهان‌هایی به منظور درک بیشتر موضوع است. در سوره مبارکه «نحل» پروردگار متعال با پرسیدن سؤالاتی و بخصوص تکرار یک سؤال به خوبی مخاطب را به فعالیت واداشته است؛ چراکه مخاطب باید در ذهن خود تجزیه و تحلیلی را انجام دهد و سپس با اقامه برهان، به درک موضوع نایل گردد. قرآن در این سوره پس از بیان سرگذشت قوم‌های گذشته می‌فرماید: «بگو ستایش مخصوص خداست؛ و سلام بر بندگان برگزیده‌اش» آیا خدا بهتر است یا بت‌هایی که همتای او قرار می‌دهند؟

می‌کنند، علاقه‌مندی آنها نیز به درس افزایش می‌یابد (فرای، کتردیج، مارشال، ۲۰۰۵، ص ۶۳).

۵. محتوا باید به ابعاد مختلف وجودی انسان توجه نماید: در وجود انسان استعداد‌های فوق‌العاده مهمی است که اگر درست رهبری شوند به بالاترین درجات تکامل مادی و معنوی نایل می‌گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۹۳). قرآن کریم در راهی نزدیک‌تر، و سریع‌تر و آسان‌تر بشر را به تکامل انسانی خود می‌رساند و در به فعلیت درآوردن قوا و استعداد‌های نهفته وی اساسی‌تر و محکم‌تر و اصولی‌تر گام برمی‌دارد (حسینی طهرانی، ۱۴۲۷ق، ج ۲، ص ۲۱). توجه به تمامی ابعاد جسمانی

﴿قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَ زَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَ الْجِسْمِ﴾ (بقره: ۲۴۷)، عقلانی ﴿الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَ قُعُودًا وَ عَلَى جُنُوبِهِمْ وَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ﴾ (آل عمران: ۱۹۱)، عاطفی ﴿مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ أَكْهَأُ دَائِمًا وَ ظِلُّهَا تِلْكَ عُقْبَى﴾ (رعد: ۳۵)، اخلاقی ﴿وَ صَيَّرْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا﴾ (احقاف: ۱۵)، اجتماعی ﴿وَ شَاوَرَهُمْ فِي الْأُمْرِ﴾ (آل عمران: ۱۵۹) و معنوی ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ ...﴾ (بقره: ۲۷۷) در قرآن کریم مشهود است. مصداق توجه به این مهم را می‌توان در آیه ۴ سوره «تین» مشاهده نمود: ﴿لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ﴾؛ قطعاً ما انسان را در بهترین شکل و صورت آفریدیم.

آیت‌الله مکارم شیرازی در تفسیر آیه مزبور می‌فرماید: «تقویم» به معنای درآوردن چیزی به صورت مناسب و نظام معتدل و کیفیت شایسته است و گستردگی مفهوم آن اشاره به این دارد که انسان را از هر نظر موزون و شایسته آفرید، هم از نظر حس و هم روحی و هم عقلی؛ چراکه هرگونه استعدادی را در وجود او قرار داد و او را برای پیمودن قوس صعودی بسیار عظیمی آماده ساخته است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۴، ص ۱۴۴).

می‌شود و بدین‌گونه، زمان جزئی از حقیقت آفرینش به‌شمار می‌آید. همچنین اگر تدبری بیشتر در حرف «بایی» بکنیم که برای کمک خواستن به کار می‌رود، آفاق گسترده‌ای در برابر ما گشوده می‌شود. مثلاً، بگوییم که سیاق قرآن در آنچه به اجل مربوط می‌شود آن را به همان‌گونه به کار برده است که در هنگام سخن گفتن از حق به کار برده بود. بنابراین، می‌توانیم در اینجا نتیجه‌گیری کنیم که حق و اجل دو مرکز و محور آفرینش است؛ بنا بر آنکه حق بیان‌کننده نظام حقی باشد که آفریدگان را به حرکت درمی‌آورد و اجل نماینده جنبه مادی آفریدگان است. پس می‌توان گفت که حق تجلی اسم حکمت است و اجل تجلی اسم عزت. باید با توجه به این حقیقت، در آنچه به ایستار ما در مقابل وقتی که جزئی از حقیقت ماست، مربوط می‌شود زندگی کنیم و این فهم زمان، مرکزی اساسی در حکمت بشر است (مترجمان تفسیر هدایت، ۱۳۷۷، ج ۱۳، ص ۱۱۹).

نوع دیگر نتیجه‌گیری را که نتیجه‌گیری از کل سوره است می‌توان در سوره «تین» مشاهده نمود: چنان‌که پروردگار بعد از سوگند به سه امر مهم همچون: «سوگند به انجیر و زیتون (سرزمین شام و بیت المقدس)» و «سوگند به طور سینا» و «سوگند به این شهر امن (مکه)» «تین: ۱-۳) می‌فرماید: «که ما انسان را در بهترین صورت و نظام آفریدیم» «سپس او را به پایین‌ترین مرحله بازگرداندیم» «مگر کسانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام دادند که برای آنها پاداشی تمام‌نشدنی است» (تین: ۴-۶)؛ و سپس سؤال می‌شود: «پس (ای انسان) چه چیز سبب می‌شود که بعد از این (دلایل روشن) روز جزا را انکار کنی؟» «آیا خداوند بهترین حاکمان نیست؟» (تین: ۷-۸). پاسخ دادن معقولانه و مستدلانه مخاطب به این سؤال با توجه به مباحث ذکر شده، همان نتیجه‌گیری منطقی است که می‌توان بدان دست یافت.

«آیا بت‌هایی که معبود شما هستند بهترند یا کسی که آسمان‌ها و زمین را آفریده؟ و برای شما از آسمان آبی فرستاد که با آن باغ‌های زیبا و سرورانگیز رویاندیم؛ شما هرگز قدرت نداشتید درختان آن را برویاند. آیا معبودی جز خداست؟...» «یا کسی که زمین را مستقر و آرام قرار داد، و میان آن نهرهایی روان ساخت و میان آن کوه‌های ثابت و استوار ایجاد کرد و میان دو دریا مانعی قرار داد (تا آب شور و شیرین با هم مخلوط نشود؛ با این حال) آیا معبودی با خداست؟ (نمل ۵۹-۶۱).

همان‌گونه که مشاهده می‌گردد، پروردگار با ذکر سؤالات پیاپی و گوناگونی از نشانه‌های قدرت و عظمت خود و نعمت‌های الهی مخاطبان را ابتدا به تفکر وامی‌دارد و سپس از آنها پاسخ می‌خواهد. اقامه پاسخ منوط به داشتن برهان‌هایی متقن است.

۶-۲) نتیجه‌گیری نمودن توسط مخاطب (نتیجه‌گیری از برخی آیه‌های یک سوره با یکدیگر و یا از کل یک سوره: از جمله مواردی که مخاطب می‌تواند با خواندن آیه‌هایی از یک سوره به یک نتیجه‌گیری برسد، آیه‌های ۲ و ۳ سوره مبارکه احقاف می‌باشد: «این کتاب از سوی خداوند توانا و حکیم نازل شده است»؛ «ما آسمان‌ها و زمین و آنچه را که در میان آن دوست جز به حق و برای سرآمد معینی نیافریدیم؛...» (احقاف: ۲-۳).

در آیه دوم این سوره خداوند از کتابی یاد می‌کند که فرورفته از سوی خداست و او توانا و حکیم است. در آیه سوم از برخی تجلیات عزت و حکمت خود بحث می‌نماید و می‌فرماید: آسمان‌ها و زمین و هرچه بین آنهاست، با عظمت هولناک آنها آفریده، پس او قوی و عزیز است و چون ساختن بر شالوده‌ای از حق بود، پس او حکیم است. از این آیه چنین الهام می‌گیریم که حکمت خداوند مقتضی محدودیت آفرینش بوده، به همین سبب است که در آن اجلی معدود و حدی محدود مشاهده

الْحَدِيثِ أَنْتُمْ مُدْهِنُونَ وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنْكُمْ تُكَذِّبُونَ ﴿۸۱-۸۲﴾ (واقعه: ۸۱-۸۲) به طور حتم شقاوت است که نصیب جامعه بشریت می‌گردد: ﴿فَذَرْنِي وَمَنْ يَكْذِبُ بِهَذَا الْحَدِيثِ سَسْتَنْدِرِجُهُمْ مِّنْ حَيْثُ لَمْ يَعْلَمُونَ﴾ (قلم: ۴۴). همچنین «مهجور ساختن و خارج کردن قرآن از صحنه زندگی عملی است که مورد شکوه پیامبر در پیشگاه خداوند قرار خواهد گرفت» (هاشمی، ۱۳۸۶، ج ۱۲، ص ۳۰۶). قرآن کتاب عقیده و عمل برای همگان است و خواندن، مقدمه‌ای است برای اندیشیدن، و اندیشیدن مقدمه‌ای است برای ایمان و عمل (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۳۴۸). در پرتو تعلیم قرآن است که قرن‌ها و در هر قرن میلیون‌ها مردم زندگی کردند و رشد یافتند و در سایه ایمان به سر می‌برند تا آنجا که ستمکاران و جبارانی که مخالف صریح آیات قرآن بودند و بر مردم حکومت کردند خود را در پناه آن گرفتند و تعلیم و کتب پیامبران گذشته با فروغ قرآن روشن و مبرهن شده است (طالقانی، ۱۳۶۷، ج ۳، ص ۱۳۸).

گوستا ولو بون معتقد است: «هر نوع سیستم تربیت جدید برای بشر سه دوره لازم دارد تا به تدریج از آن بهره‌مند شوند و در پایان امر برای نسل سوم ثمربخش شود. ولی قرآن چنان کتابی است که آثار تربیتی‌اش را در همان نسل اول به حد کمال نشان داد و امتی را تربیت کرد که در کمتر از یک قرن، بر سه قاره آسیا و آفریقا و اروپا (اسپانیا) حکومت نمود. به هر حال، عظمت، شأن و مقام قرآن بالاتر از آن است که در این مقدمه بگنجد، ولی با لحن قاطع می‌توان گفت: قرآن کتابی است که چگونه روی زمین زندگی کردن را به بشر آموخته و هم‌اکنون به سهولت می‌توان چگونه زندگی کردن را به همه یاد داد (رضایی اصفهانی، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۳).

بنابراین، می‌توان یکی از معیارهای مهم دیگر در امر خطیر انتخاب محتوا را عملی بودن آن در زندگی دانست. با رعایت این اصل، به طور حتم انگیزش متعلم به خواندن

همچنین فعال‌سازی می‌تواند در حیطة عملی نیز باشد. در اینجا، «مشارکت فعال مخاطب را می‌توان در مواردی مشاهده نمود که قرآن در خصوص تعلیم خصلت‌های پسندیده و اخلاق و عادت‌های رفتاری برتر در پیش گرفته است. این مهم در واقع، همان آموزش مسلمانان از طریق تمرین عملی در عبادت‌های مختلفی است که قرآن آنها را بر ادای آن مکلف ساخته است. مواردی چون: نماز خواندن، روزه گرفتن و...» (نجاتی، ۱۳۶۷، ص ۲۴۱). از جمله نمونه‌های دعوت مخاطب به انجام اعمال نیک را می‌توان در این آیه‌ها مشاهده نمود: «... نیکوکار کسی است که به خدا و روز واپسین و فرشتگان و کتاب خدا و پیامبران ایمان آورده؛ و مال خود را با همه علاقه‌ای که به آن دارد به خویشاوندان و یتیمان و مستمندان و واماندگان در سفر و سائلان و بردگان انفاق کند؛ نماز را به پا دارد و زکات را می‌پردازد و (همچنین) کسانی که به عهد خود هنگامی که عهد بستند وفا می‌کنند و در برابر سختی‌ها و زیان‌ها و هنگام جنگ استقامت می‌ورزند؛ اینها کسانی هستند که راست می‌گویند (و گفتار و کردارشان با اعتقاداتشان هماهنگ است) و اینها پرهیزکارانند» (بقره: ۱۷۷). از این رو، محتوای آموزشی نیز باید در فعال‌سازی متعلمان هم در حیطة عقلی و هم عملی بکوشد.

۷. محتوا باید در زندگی مخاطب کاربرد داشته باشد: محتوا باید در زندگی مخاطب به کار رود؛ زیرا قرآن کتابی است که در متن زندگی انسان به کار می‌رود. قرآن کتاب زندگی است: ﴿وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مَبَّارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ (انعام: ۱۵۵) و تعلیم آن موجب نورانیت و هستی‌بخشی به زندگی است. «زندگی انسان‌ها بدون عمل به تعلیم قرآن و رهنمودهای پیامبر ﷺ با خطر و افت‌های گریزناپذیری روبه‌رو خواهد بود» (هاشمی، ۱۳۸۶، ج ۱۵، ص ۲۳۴). قرآن را هیچ زمان نمی‌توان از صحنه زندگی خارج کرد و اگر این کار را کرد: ﴿أَفَبِهَذَا

بنابراین، به تبع از توضیحات فوق، محتوای آموزشی نیز باید به گونه‌ای باشد که متعلم در کنار نقش تسهیل‌کنندگی معلم و به کمک تحقیق و پژوهش‌ها و پرس‌وجوهایی که خود انجام می‌دهد بتواند از عهده یادگیری آن برآید و به هدف مطلوب دست یابد.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با در نظر داشتن ضرورت ارائه معیارهای انتخاب محتوای آموزشی از متن منبعی عظیم و اصیل همچون قرآن کریم و به منظور به کارگیری هرچه بیشتر آن در نظام آموزشی و تربیتی، توانست هشت معیار را مورد بررسی قرار دهد. این هشت معیار را می‌توان در موارد ذیل دانست:

۱. محتوا باید هدایت‌کننده باشد. در واقع، اولین و مهم‌ترین معیار در امر انتخاب محتوا باید هدایت‌کنندگی آن از طریق سوق دادن به سمت خداوند و صراط مستقیم باشد.
۲. محتوا باید تدبیرانگیز باشد. تدبیرانگیزی محتوا می‌تواند از راه‌هایی همچون تفکر در اسماء و صفات الهی، خود (نشانه‌های الهی در وجود خود)، تاریخ، آیات آفاقی و ایجاد سؤالات تفکربرانگیز باشد.
۳. محتوا باید خلاقیت‌پرور باشد. این مهم می‌تواند از راه‌های گوناگونی از جمله جلب توجه مخاطب به آزاد آفریده شدن خود (منظور آزادی مطلق نیست)، ارائه بینش و رشد تفکر انتقادی و عدم تقلید کورکورانه باشد.
۴. محتوا باید انگیزه‌بخش باشد و در ایجاد انگیزش درونی مخاطب بکوشد.
۵. محتوا باید به ابعاد مختلف وجودی انسان توجه کند. این ابعاد عبارتند از: جسمانی، شناختی، عاطفی، اجتماعی، اخلاقی و معنوی.
۶. محتوا باید در جلب فعال‌سازی و مشارکت فعال مخاطب از طریق متن بکوشد. فعال‌سازی می‌تواند از طریق تجزیه و تحلیل متن توسط مخاطب به همراه

متن هم افزون‌تر می‌گردد؛ زیرا متعلم می‌داند که وقتش را به بطالت سپری نمی‌کند و قرار است روزی آموخته‌هایش را متناسب با نیازهایش در زندگی حال و آینده به کار گیرد.

۸. محتوا باید خودآموز باشد: از دیگر معیارهایی که لازم است در انتخاب محتوا مورد توجه قرار گیرد اصل خودآموزی محتواست. محتوا باید خودآموز باشد؛ بدین معنا که محتوا باید به گونه‌ای تدوین گردد که مخاطب بتواند با کمک هرچه کمتر معلم، آن را درک کند و مورد تحلیل قرار دهد؛ یعنی نه آن‌قدر سنگین و پیچیده باشد که مخاطب را بکلی از خواندن مأیوس سازد و نه آن‌قدر ساده و آسان باشد که هیچ مسئله تازه و مفیدی را به مخاطب نیاموزد. در واقع، این مهم می‌تواند گونه‌ای رعایت حفظ تعادل در تدوین مباحث متن آموزشی نیز باشد. پروردگار در قرآن کریم به این مهم توجه داشته است و قرآن را به گونه‌ای نازل نموده است که هر مخاطبی با هر سطح درکی آن را درک کند. چنان‌که می‌فرماید: ﴿... وَبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ﴾ (بقره: ۲۲۱)، ﴿هَذَا بَيَانٌ لِّلنَّاسِ﴾ (آل‌عمران: ۱۳۸)، ﴿هَذَا بَلَاغٌ لِّلنَّاسِ﴾ (ابراهیم: ۵۲) و همچنین آسان (اما پرمحتوا) فرورستاده شده است: ﴿وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ﴾ (قمر: ۳۲، ۲۲، ۱۷)، ﴿وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ﴾ (دخان: ۵۸)، ﴿فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ﴾ (مریم: ۹۷). «این آسان‌سازی مفاهیم عالی قرآن در سطح فهم همگان، جلوه‌ای از عظمت و قدرت خداوند است» (هاشمی، ۱۳۸۶، ج ۱۸، ص ۱۸۰). از طرف دیگر، برخی از مباحث قرآن آن‌قدر سنگین هستند که تنها عده خاصی از عهده درک آن برمی‌آیند: ﴿وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ لِنَاسٍ وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ﴾ (عنکبوت: ۴۳). همچنین برخی از آیات قرآن مورد تفاسیر گوناگونی قرار گرفته‌اند و هنوز اتفاق نظری بر آنها نیست و شاید هیچ زمان حقیقت آن هم بر بشر مکشوف نگردد؛ برای مثال، مسئله نفخه روح که یکی از اسرار الهی است ﴿وَنَفَخَ فِيهِ مِن رُّوحِهِ﴾ (سجده: ۹).

آوردن استدلال، و نتیجه‌گیری کردن توسط مخاطب و فعال‌سازی در حیطه عملی باشد.

۷. محتوا باید در زندگی مخاطب کاربرد داشته باشد.

۸. محتوا باید خودآموز باشد.

در نهایت، می‌توان گفت: این موضوع همچنان می‌تواند عرصه‌ای مفید برای انجام پژوهش‌هایی وسیع‌تر باشد که پیشنهاد می‌گردد قدم‌های بیشتری در این زمینه از سوی پژوهشگران برداشته شود.

منابع

نهج‌البلاغه، ۱۳۹۱، ترجمه محمد دشتی، قم، بکا.

جعفری، یعقوب، بی‌تا، تفسیر کوثر، بی‌تا، بی‌جا.

جمعی از نویسندگان، بی‌تا، هدایت در قرآن، قم، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.

جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۳، تعالیم قرآن، تهران، نمایندگی ولی فقیه سپاه.

حسینی، افضل‌السادات، ۱۳۸۷ الف، ماهیت خلاقیت و شیوه‌های پرورش آن، مشهد، به‌نشر.

حسینی‌زاده، سیدعلی‌اکبر، ۱۳۸۸، سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

حسینی، سیدحسام، ۱۳۸۷، «تفکر خلاق مبنای شیوه‌های آموزشی پیامبر ﷺ»، دانشگاه اسلامی، سال دوازدهم، ش ۲، ص ۴۳-۲۱.

حسینی طهرانی، محمدحسین، ۱۴۰۷، نور ملکوت قرآن، مشهد، نورملکوت قرآن.

رادمنش، سیدمحمد، ۱۳۸۴، آشنایی با علوم قرآنی، تهران، جامی. رضایی اصفهانی، محمدعلی، بی‌تا، قرآن و علم، قم، پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآنی.

ریسو، جان مارشال، ۱۳۸۸، انگیزش و هیجان، ترجمه یحیی سیدمحمدی، تهران، ویرایش.

صفایی حائری، علی، ۱۳۸۶، تطهیر با جاری قرآن، قم، لیلۃ‌القدر. طالقانی، سیدمحمد، ۱۳۶۷، پرتوی از قرآن، تهران، شرکت سهامی انتشار.

طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۴، المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین.

فتحی و اجازگاه، کوروش، ۱۳۸۴، اصول برنامه‌ریزی درسی، تهران، ایران زمین.

فرقانی حیدری، بی‌تا، قرآن در قرآن، تهران، اداره کل آموزش عقیدتی و سیاسی نماینده ولی فقیه در سپاه.

فیاض، ایراندخت، ۱۳۸۷، «بررسی فراتحلیلی محتوای کتاب‌های درسی در رابطه با ارزش‌های ایرانی - اسلامی»، فرهنگ و علم، سال اول، ش ۱، ص ۴۰-۱۱.

فیشر، رابرت، ۱۳۸۶ الف، داستان‌هایی برای فکر کردن، ترجمه سیدجلیل شاهرودی لنگرودی، تهران، سمت.

_____، ۱۳۸۶ ب، آموزش تفکر به کودکان، ترجمه مسعود صفایی‌مقدم و افسانه نجاریان، اهواز، ریش.

فرائی، محسن، ۱۳۸۳، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

کمانی، سیدعلی، ۱۳۷۲، قرآن ثقل اکبر، قم، اسوه.

گلشنی، مهدی، بی‌تا، قرآن و علوم طبیعت، تهران، مطهر.

مترجمان تفسیر هدایت، ۱۳۷۷، تفسیر هدایت، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

_____، ۱۳۷۷، اخلاق در قرآن، قم، مدرسه امام علی‌بن ابی‌طالب علیهم‌السلام.

ملکی، حسن، ۱۳۸۴، برنامه‌ریزی درسی (راهنمای عمل)، ویراست دوم، مشهد، پیام اندیشه.

موسوی‌نسب، سیدمحمدصادق، هادی رزاقی و حسین مهدی خطیبی، ۱۳۹۰، «نقش اسلامی‌سازی محتوای آموزشی در درونی‌شدن ارزش‌های اسلامی»، معرفت، سال بیست و یکم، ش ۱۷۹، ص ۳۰-۱۵.

موسوی‌پور، نعمت‌الله، ۱۳۸۵، مبانی برنامه‌ریزی آموزش متوسطه، مشهد، آستان قدس رضوی.

نجاتی، محمدعثمان، ۱۳۶۷، قرآن و روان‌شناسی، ترجمه عباس عرب، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی. هاشمی رفسنجانی، اکبر، ۱۳۸۶، تفسیر راهنما، قم، بوستان کتاب. هولفیش، گوردون، اسمیت، فیلیپ ژ، ۱۳۸۰، تفکر انتقادی، ترجمه علی شریعتمداری، تهران، سمت.

Fry, H., S. Ketteridge, & S. Marshall, 2005, *Teaching & learning Higher 2th Education Edition*, London and NewYork, Routledge Falmer.